



۲۰۲۰ / ۱۰ / ۸

کانديد اکادميسين سيستاني

وجه تسميه خراسان

اين روزها يکبارديگر تب خراسان گري برخی بالا رفته و در رسانه های اجتماعي از جمله در فيسبوک به تاويل و تفبير معنای خراسان درمقايسه با نام افغانستان سخنانی گفته ميشود که آدم هر قدر حوصله داشته باشد خنده اش ميگيرد. بخصوص جوانی با مززه کردن نام خراسان چنان كيف میکند که گویی هر که خراسانی باشد، بر قلۀ خوشبختی نشسته و از همه آفتهای زمینی و سماوی بر کنار خواهد بود. درحالی که عملاً چنین چیزی نیست و نه درگذشته وجود داشته و نه در آینده وجود خواهد داشت. بر معنا و وجه تسميه خراسان مکث ميکنيم.

مرحوم غبار، در سال ۱۳۲۶ در بارۀ خراسان مقاله ای نوشته بود که در ۱۳۷۷ دوباره بحیث یک رساله مستقل بنام "خراسان" با مقدمه دستگیر پنجشيری در پشاور بچاپ رسیده است. غبار در اين رساله اول، کلمه خراسان را مرکب از "خُر" ("آفتاب") و "اسان" ("جای برآمدن آفتاب") يعنی مشرق معنی کرده است. (خراسان، ص ۶)

سپس غبار در جستجوی مشرق اکثر آثار مورخين و جغرافيا نگاران اسلامی را مرور کرده و اين رساله را نوشته است. غبار در اين رساله خراسان را با دو حدود به معرفی ميگيرد: یکی خراسان خاص؛ شامل چهار ايالت (بلخ، هرات، مرو و نيشاپور) و ديگری خراسان عام (شامل تمام ماوراء النهر و خراسان خاص و افغانستان کنونی و بلوچستان تا دریای سند).

اما آنچه از سوی غبار و مورخان ديگر افغان بدان پرداخته نشده، اينست که در بارۀ وجه تسميه خراسان سخن نگفته اند. غبار و ديگران کلمه خراسان را بمعنای مشرق ترجمه کرده اند. کتب فتوحات اسلامی و هم مورخان عربی زبانی چون: بلاذری و ابن خردادبه و طبری و مقدسی و ابوالفدا وغيره سرزمینهای مفتوحه در سمت شرقی خلافت اسلامی را بنام خراسان (مشرق زمين) ذکر کرده اند. اما گفتن خراسانی برای تمام مردمی که در سمت مشرق خلافت اسلامی ويا در مشرق کشور فارس زندگی ميکردند اگر توهين آمیز نباشد، حتماً بی معنا و نامی بی مسمی که هست.

مثلاً: وقتی بکسی خراسانی گفته شود، يعنی که اين آقا مشرقی است!! مشرقی يا مشرق زمين، يعنی چی؟ مشرق يا مشرق زمين نام کشور يا نام شهر معين و مشخصی چون: بلخ، بخارا، خوارزم، نيشاپور، مشهد، طوس، هرات و تخارستان نیست. نام مجموعه بلادی است واقع در شرق خلافت اسلامی ويا در شرق کشور فارس. چين و جاپان و اندونيزيا هم در شرق خلافت اسلامی ويا شرق کشور فارس قرار دارند. حال وقتی بکسی خراسانی اطلاق شود، شنونده چی برداشتی از اين اطلاق خواهد داشت؟ هيچی!!!

به عبارت ديگر، مفهوم خراسان و خراسانی برای یک مورخ و یک جغرافيا نويس عرب مشخص بوده، ولی برای خود اهل خراسان، کاربرد کلمه خراسانی، هويت شهری و محلی و منطقه ئی و زادگاه او را مشخص نمیکند. يعنی با شنيدن کلمه خراسانی، شنونده تشخيص کرده نمیتواند که

د پانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

مخاطب، بلخی است یا مشهدی؟ سمرقندی است یا بخارائی؟ هراتی است یا بدخشانی؟ و...و... زیرا خراسان نام کشور یا نام ولایت یا شهری نبوده است، بلکه یک سرزمین فراخ دامن در شرق خلافت اسلامی بوده که حدود جغرافیائی اش از عهداموی تا عباسی پیوسته در تغییر بوده است. و در دوره مغول و تیموریان و صفویان و بابریان و ازبکان شیبانی مفهوم قرون وسطائی خود را از دست داده بود.

اما افغانستان (جایگاه افغانان) اسمی با مسمی است (زیرا کشوری است که در آن افغانها شامل اقوام مختلفی زندگی میکنند. و از جمله نزدیک به ۲۰ میلیون پشتون در داخل و ۳۵ میلیون پشتون در آنسوی خط دیورند بسر میبرند) و چون کلمه افغان بنا بر سفر نامه ابن بطوطه و تحقیقات استاد حامدنوید به معنای (سوارکار) است پس بصورت ترکیبی معنایش (جایگاه سوارکاران) میشود که در حق همه باشندگان این کشور صدق میکند.

وقتی از افغانستان، نام برده میشود، کشوری با شهرهای مهم و حدود جغرافیائی معینی در ذهن مجسم میشود که وقتی کسی خود را بلخی یا بدخشانی یا هراتی یا قندهاری یا زابلی یا غزنوی یا ننگرهار یا پکتیائی میگوید، هویتش باز هم مشخص تر میگردد، زیرا همه این ولایات شامل افغانستان اند. به همین دلیل میتوان گفت که افغانستان اسمی با مسمی و خراسان اسمی بی مسمی است، یعنی بازتاب دهنده کشور یا شهر معینی نیست. پایان ۵ / ۱۰ / ۲۰۲۰

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ